

در ماه گذشته رویدادهایی در ایران اتفاق افتاد که هر یک اهمیت بسیار داشت. گسترش جنبش اعتراضی کارگران و دانشجویان، ادامه دستگیری بعضی فعالان سیاسی فرهنگی وابسته به جبهه دوم خرداد، ادامه دادگاههای فرمایشی و قرون وسطایی، انتشار محدود خاطرات آیت الله منتظری که منجر به دستگیری فرزند او شد و سپس انتشار این خاطرات در شبکه جهانی اینترنت، انتشار نامه محمد محسن سازگارا که از مهمترین بنیانگذاران سپاه پاسداران بوده به سید علی خامنه ای، سخنرانی خاتمی در روز ۱۶ آذر که در آن از "فقدان اختیار" شکوه و ناله سر داد، و باز هم سخنرانی خاتمی در روز ۱۶ آذر (روز دانشجو) که در آن عمق اصلاح طلبی قلبی خاتمی به نحو بارزی نشان داده شد. دستگیری ناصر زرافشان وکیل خانواده های ۲ تن از قربانیان قتل‌های سیاسی زنجیره ای، و تشدید تضادهای درونی رژیم از مهمترین رویدادهای ماه گذشته بود. پیرامون هر یک از این رویدادها گزارشها و تفسیرهای گوناگون انتشار یافته است. در این میان اما به سخنان آیت الله خزعلی در روز ۲۲ آذر در مسجد هدایت تهران که خبرگزاری ایسنا روز بعد قسمتهایی از آن را مخابره کرد، کمتر توجه شد. آیت الله خزعلی که شمس وزیر در بار خامنه ای و یکی از فتوا دهندگان در مورد قتل‌های سیاسی زنجیره ای است در این سخنرانی می گوید: "مردم سالاری یعنی مردم بالای سر ما و هر چه توانستند باید عمل کنند، خیر این طور نیست، مردم خوبند ولی برای اجرای احکام الهی در اجرای اسلام آن چه که مردم بخواهند خیر، آن چه اسلام بخواهد بلی. امروز مردم قصاص را نمی پسندند، پس قصاص باید برداشته شود، خیر " خزعلی در ادامه می گوید: "در قم گفتند باید سنت شکنی کرد، ولی جلویشان را گرفتند. مدارس موسیقی برپا کردند، دختر جوانی را دیدم ویالون به دست در کنار خیابان حرکت می کرد، باید اعتراض کرد." در همین چند جمله کوتاه می توانیم عمق دیدگاه ارتجاعی و سرکوبگرانه افرادی مثل خزعلی که به طور مستقیم و غیر مستقیم نقش بسیار در ارگانه‌های سرکوب رژیم دارند را ملاحظه کرد. خزعلی با گفتن "نه" به رأی مردم و "بلی" به احکام اسلام که معنی آن در عمل نظام استبدادی مذهبی ولایت فقیه می شود، به شکلی عربان ماهیت نظام ارتجاعی که در میهن ما حاکم است را نشان می دهد. اما در سخنان خزعلی نکته ای مهم وجود دارد که وجه دیگری از آن چه در میهن ما می گذرد را عیان می کند. خزعلی از دختری که با ویالون راه می رفته، با هراس حرف می زند، گرچه خزعلی نگفت که چه ایرادی به کار این دختر می توان گرفت، ولی معلوم است که یک "زن" با "ویالون" و در "خیابان" برای خزعلی و تمامی مرتجعان، حرکت زنان و مردان جوان، برای آزادی، گسست از سنتها و فرهنگ ارتجاعی و سرنگون کردن نظام حاکم را تداعی می کند. حقیقت این است که سرکردگان نظام ولایت فقیه و افرادی مثل خزعلی که نقش مهمی در جمهوری اسلامی دارند، بیش از هر کس دیگر از عمق نفرت و انزجار جوانان کشور ما به خودشان خبر دارند. جوانان کشور ما به خصوص دختران جوان بیش از هر کس دیگر تحت فشار و

تبعیض و سرکوب قرار دارند. در همین ماه در روز ۲۵ آذر یک دختر دانشجوی دانشگاه آزاد زاهدان به نام سکینه توکلی به علت بی توجهی مسئولان در خوابگاه دانشجویان می میرد. مرگ او موجی از نفرت و انزجار در میان دانشجویان و مردم زاهدان ایجاد می کند. در همین ماه گذشته دهها دختر جوان یا از خانه خود رانده شده و روانه خیابانها شده اند یادست به خودکشی زده اند. اما همین دختران و پسران کشور ما هستند که هر گاه فرصت می یابند فریاد زنده باد آزادی سر می دهند و همین جوانان هستند که نظام حاکم و ارزشهای ارتجاعی آن را به سخره می گیرند.

ترس خزعلی از راه رفتن یک دختر ویالون به دست در خیابان توهم نیست، واقعیت است. او با چشم خود بر باد رفتن ولایت ارتجاعی که او نیز یکی از گردانندگان آن است را می بیند. خزعلی و دیگر گردانندگان دربار خامنه ای می توانند با اتکا به نیروهای سرکوبگر خود هر صدایی را خفه کنند، دادگاههای نمایشی و قرون وسطایی تشکیل دهند، روزنامه ها را ببندند. ولی هرگز نمی توانند از فوران خشم و نفرت نسل جوان کشور ما جلوگیری کنند.